شناسایی تأثیر متقابل امنیت، رشد و توسعه اقتصادی در اسلام

رحمت الله اخلاقی[1]

چکیده

امنیت اقتصادی، رشد و توسعه از مقولات مهم اقتصادی و اجتماعی‌است،که بررسی ارتباط وتأثیر این‌دو برهمدیگر، نظریات قابل توجهی ازمجموع تحقیقات اقتصادی را به‌خود اختصاص داده است؛ تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد و تأثیرگذاری آن بر رشد و توسعه اقتصادی، به آن نقش بنیادین داده و از آن‌جا که بستر آسایش روحی جامعه را فراهم می‌کند، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی اقتصادی نیز می‌شود.

هدف نظریات غربی از توسعه، تنها دست‌یابی به رفاه مطلق مادی است و درهمین راستا کشورها به توسعه یافته، درحال توسعه وتوسعه نیافته تقسیم می‌شوند. این موضوع از نظر اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش انسان نیز تنها آن نبوده است، بلکه رفاه مادی به‌صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی‌که دین اسلام تعیین نموده است جلوه‌گر می‌شود.

بنابراین سوال اصلی تحقیق عبارت است از: تأثیر متقابل امنیت اقتصادی و رشد و توسعه ازنظراسلام چیست؟ امنیت،رشد وتوسعه اقتصادی درمطالعات اقتصادی واسلامی بایکدیگرارتباط گسترده دارند؛ درواقع هرنوع فعالیت‌های اقتصادی، تابع امنیت است.

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است ویافته‌های تحقیق بیانگر این است‌که امنیت اقتصادی، رشد وتوسعه برهمدیگر تأثیرگذار می‌باشند؛ فقدان امنیت، فعالیت‌های اقتصادی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: امنیت،توسعه، رشد، امنیت اقتصادی، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، اسلام.

---

[1] . دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی(ص) العالمیه- rakhlaqi@yahoo.com

مقدمه

موضوع امنیت اقتصادی و**ارتباط آن با**هرنوع فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری و نحوهٔ تحقق آن در جامعه و رسیدن به‌توسعه اقتصادی برای انسان ضروری است؛ همانطور که انسان به امنیت نیاز دارد به غذا و مسکن مناسب و دیگر امکانات رفاهی نیز نیازمند است. تأمین این نیازمندیها درگرو ایجاد امنیت و سرمایه‌گذاری دربخش‌های کشاورزی، صنعت، تولید و بازرگانی است؛ باتوجه به‌تأثیرگذاری امنیت بر توسعه لزوم تحقیق مسأله امنیت و رشد و توسعه ایجاب می‌کند.

یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هرحکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آن‌ها است. امنیت سنگ زیر**بنای حیات فرد و جامعه است و پیش**شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید.

امنیت درهمه ابعادش نقش مهم در زندگی بشر و جوامع انسانی دارد و رشد و توسعه اقتصادی هم از آنجاکه پیوند نزدیکی با مسائلی زیربنایی جامعه دارد باید در این موارد به‌صورت دقیق تحقیق صورت بگیرد.

همانگونه‌که در فرایند توسعه ثبات سیاسی و سرمایه‌گذاری اهمیت دارد، امنیت نیز مهم و ضروری است، بدون شک شناخت موانع و ارائه راهکار نقش کلیدی در روند رشد و توسعه اقتصادی دارد.

مفهوم رشد در ارتباط با نعمت‌ها و سرمایه‌ی‌که در اختیار فرد است، مطرح می‌گردد، به این ترتیب‌که اگر نعمت‌ها توسط صاحبان آن‌ها در مسیر درست و به‌نحو صحیح به کارگرفته شوند، نشانگر رشد فرد صاحب آن‌هاست. رشد در دو زمینه اصلی مدیریت فرد توسط خود(نسبت به سرمایه‌های مختلف مادی و معنوی) و هم‌چنین مدیریت یک فرد نسبت به افراد دیگر؛ نظیر مدیریت انسان‌ها توسط پیامبران و رهبران، مطرح و سنجیده می‌شود. بنابراین مفهوم رشد به تبع تنوع نعمت‌ها وسرمایه‌ها، دارای انواع متعددی؛ چون، رشد جسمی، فکری، معنوی، ملی است.

مفهوم شناسی

«امنیت»: ازواژه «امن» به‌معنای بی‌خوفی و در امان بودن، آرامش قلب داشتن، بی‌هراس

شدن، راحت و آسوده گردانیدن است (دهخدا،۱۳۳۷). در این تعریف معانی درونی و حالت نفسانی مورد توجه قرارگرفته است؛ زیراکه آرامش و سکون یک حالت نفسانی است. بعضی دیگر امنیت را به‌معنای توانایی درحفظ ارزش‌ها و ثروت در برابر تهدید تعریف نموده‌اند (جاسمی، ۱۳۸۵).

امنیت اقتصادی واژه ترکیبی است از امنیت و اقتصادکه در اصطلاح منطق، امنیت جنس و اقتصاد فصل است؛ اگرمفهوم امنیت روشن شود مفهوم امنیت اقتصادی هم روشن خواهد شد (یوسفی،۱۳۸٦،۳۱۸). برخی هم امنیت را به‌معنی نبود تهدید نظامی‌گرفته‌اند ؛ بعضی دیگر بر محافظت ازکشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات و اژگون سازی از خارج تأکید می‌کند. یکی از تعریف‌های موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک آن است؛ بنا براین تعریف، امنیت عبارت است از: توانایی کشور در دفع تهدیدهای داخلی و خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود (روشندل،۱۳۸۵،۱۱).

باری بوزان، تعریف می‌کند: « امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، خواه در بعد داخلی یا بین المللی است» (بوزان،۲٦۵-۲٦٤).

امنیت اقتصادی عبارت است از: چارچوب نهادینی‌که اعتماد پس اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران راجلب کرده، امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند (فابریسیوس،۱۹۹۸،۹/۲۱/۱۳۷۷).

امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین‌کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی؛ امنیت اقتصادی در دنیای پس ازجنگ سرد، به‌عنوان یک بُعد از امنیت مطرح می‌شود. کارشناسان ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه (قتل، سرقت‌های مسلحانه، فقر، فساد، فحشا و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی) بدنبال راه‌های جدید جهت وارد نمودن موضوعات در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند (ماندل، ۱۳۷۹،۱۰۸- ۱۰۷).

«رشد»: در لغت به معنی راه‌یابی، راه یافتن به مقصد، رسیدن به واقع و از گمراهی به راه آمدن می‌باشد. هم‌چنین ثبات و استقامت نیز از معانی رشد شمرده شده است. این

کلمه در مقابل «غی»، به معنی انحراف پیدا کردن از حقیقت و دور شدن از واقع به‌کار می‌رود. راشد و رشید، اسم فاعل و وصف از آن است‌که دلالت بر استواری و پا برجا بودن، می‌کند. کلمه مرشد نیز از همین ماده‌گرفته شده است‌که به معنی راهنما و نشان دهنده راه می‌باشد (فیومی،۱۳۷۵،ج۱،ص۲۲۷،طریحی، مجمع البحرین، ج۲، ص۱۷۹، ابن منظور،١٤١٤، ج۳، ص۱۷۵).

رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور دریک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه؛ در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص‌ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. علت این‌که برای محاسبه رشد اقتصادی، از قیمت‌های سال پایه استفاده می‌شود آن است‌که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی، ناشی از افزایش میزان تولیدات باشد و تأثیر افزایش قیمت‌ها (تورم)حذف گردد (متوسلی،۱۱،۱۳۸۲، تودارو،۱۳۷۸، ۱۱۷)

در واقع رشد اقتصادی هرکشور، بیان‌گر رشد مداوم تولید است؛که در اغلب موارد، با افزایش جمعیّت و یا معمولا با تغییرات زیربنایی همراه است (کوزنتس، ۱۳۷۲، ۱۱).

« توسعه»: اگرچه توسعه به معنای رشدثروت، موضوع جدیدی نبوده و مورد بحث اقتصاد دانانی چون اسمیت،مالتوس، ریکاردو و دیگران است، اما به‌معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه ریزی شده، از اوایل قرن بیستم، مورد توجه قرارگرفت. در واقع تا پیش از دهه۱۹٤۰، کشورهای غربی علاقه کمتری به چنین موضوع‌هایی نشان می‌دادند و نقش آن‌ها به‌طور عموم در ارتباط باکشورهای مستعمره و مسایل آنان بود، به‌طوری که درآن دوره، توسعه به‌مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع کشورهای مادر بود.

در مورد تعریف توسعه، درمیان صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد. در تعاریف اولیه اقتصاددانان، پیشرفت جوامع انسانی رشد سطح محصولات تفسیر شده است و راهبرد رسیدن به آن را نیز دامن زدن به تولید، پس‌اند از و مصرف تلقی‌گردید. این مفهوم از توسعه مترادف با مفهوم رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد،که طی آن ظرفیت‌های تولیدی

یک جامعه با تکیه بر به‌کارگیری، گسترش و درونزا کردن دستاوردهای علمی- فنی افزایش می‌یابد و افزایش بلند مدت ظرفیت تولیدی دریک‌کشور به‌منظورعرضه‌کالاهای متنوع‌تر اقتصادی به مردم مد نظر باشد (کوزنتس، ۱۳۷۲، ۲٦٤).

تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به‌معنای انباشت سرمایه مطرح بود؛ به عبارت دیگر، رشد اقتصادی درجایگاه هدف نهایی و توسعه اجتماعی، فرهنگی و محیطی تابعی از آن در نظرگرفته می‌شد؛ اما این برداشت ناصحیح، دستاوردی جز توده وسیع و فزاینده فقیران درکشورهای رو به رشد به ارمغان نیاورد. به‌همین علت از این پس، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدید نظر اساسی پدید آمد و توسعه‌اقتصادی به‌صورت فرایندی در نظر گرفته شد که تغییرهایی در عامل‌های غیرکمی، مانند نهادها، سازمان‌ها را هم دربر می‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، توجه به‌سرمایه انسانی درکنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحول‌ها بود. بدین ترتیب، مفهوم توسعه پایدار شکل‌گرفت. مفهومی‌که درآن افزون بر پیشرفت وکارایی اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، اشتغال، کمک‌های هدفمند و حفاظت از محیط زیست، مدنظر قرارگرفت (رادکلیفت، ۱۳۷۳، ۸۰).

مایکل‌تودارو: توسعه، جریانی است چند بُعدی‌که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرزتلقی، باورهای عامهٔ مردم ونهادهای ملی و نیزتسریع رشد اقتصادی وکاهش نابرابری وریشه‌کردن فقرمطلق است (تودارو،۱۳٦٦،ج۱،ص۲۳). باز ایشان درجای دیگر می‌نویسد: توسعه به معنای ارتقای مستمرکل جامعه ونظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی تراست (همان، ۱۳٦).

پرفسور جرالد میر: توسعه اقتصادی عبارت است از فرایندی‌که به‌موجب آن درآمد واقعی سرانه یک کشور در دوره طولانی افزایش می‌یابد، مشروط به‌آنکه تعداد افراد زیرخط فقر مطلق افزایش نیابد و توزیع درآمد بسیار نابرابر نشود (میر، ۱۳۷۸: ۸).

مفهوم اسلامی‌توسعه خصوصیات جامعی دارد و شامل جنبه‌های اخلاقی، روحی و مادی می‌شود؛ ازنظر اسلام توسعه یک برداشت صرفاً مادی نیست و ما معتقدیم که اکثرکشورهای پیشرفته جهان به‌مفهوم اصلی توسعه یافته نیستند، بلکه از نظر اقتصادی توسعه پیداکرده‌اند (خلیلیان اشکذری،۱۳۸۱، ۲٦).

رابطه رشد و توسعه اقتصادی

توسعه‌اقتصادی مفهوم گسترده‌تری نسبت به‌رشد اقتصادی دارد. توسعه اقتصادی، حاوی تغییرات کیفی در خواسته‌های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه‌ها و سازمان تولید است. اغلب عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی (مثل تکنولوژی و تغییرات زیربنایی)، در توسعه اقتصادی می‌گنجد. لذا درحقیقت توسعه اقتصادی شامل رشد و عدم رشد اقتصادی است (قره‌باغیان، ۱۳۷۵، ج۱، ص۷).

رابطه امنیت با رشد و توسعه اقتصادی

درآغاز دهه «۱۹۹۰» برخی از محققان استدلال کردندکه دنیا پا به‌عصری می‌گذارد که درآن ابعاد اقتصادی امنیت، بطور فزاینده‌ی بر ابعاد سنتی سیاسی و نظامی آن حاکم می‌شود؛ آن‌ها در حوزه امنیت، اهمیت تازه‌ی برای عوامل اقتصادی قائل شدند؛ باور به‌پیوند (ارتباط‌ورابطه) اقتصادی (اقتصاد ملی) و امنیت چیزی تازه‌ی نیست، همه انسان‌ها به‌دنبال امنیت شغلی و رفاه اقتصادی هستند؛ بخش اعظم مسائل سیاسی هرکشور حول رفاه و رونق وتوسعه و شکوفایی اقتصادی دور می‌زند و نیز جستجوی رفاه ملی و توسعه اقتصادی همراه با برداشت‌های سنتی از امنیت یکی ازمسائل مهم دیپلماسی دربالاترین سطح آن است؛ مسائل اقتصادی و امنیتی تقریبا درتمام فعالیت‌های انسانی تا حدودی باهم ارتباط و رابطه دارند (تریف،۲۷٤،۱۳۸۳-۲۷۳).

به‌طورکلی سه نوع پیوند بین اقتصاد و امنیت مطرح شده است:

۱.توانایی اقتصادی بالقوه و بالفعل مستقیما با قدرت و در نتیجه با امنیت دولت‌ها و کشورها ارتباط دارد.

۲.رفاه اقتصادی(رسیدن به رشد وتوسعه اقتصادی) یکی‌از ارزش‌های اساسی دولت‌ها شمرده می‌شود.

۳.ابزارهای اقتصادی(کمک‌ها و تحریم‌ها) برای دستیابی به‌اهداف مهم کشورها مورد استفاده قرار می‌گرد.

قدرت اقتصادی یکی از عناصر اساسی قدرت نظامی (که برای تأمین امنیت ضروری می‌باشد و هرکشوری به‌آن نیاز مبرم داراد تا بتواند حاکمیت خود را به‌وسیله آن تثبیت

نماید) است؛ اقتصاد یک کشور مواد و منابع مالی و انسانی لازم و مورد نیاز برای دستیابی به‌قدرت نظامی را که برای حفظ امنیت ملی لازم و ضروری است تأمین می‌کند. از این نظر عوامل و منابع لازم برای حفظ قدرت اقتصادی و نظامی یک کشور عبارتند از: زمین و منابع طبیعی، تولید صنعتی، منابع نامرئی یا ناملموس، سرمایه و نیروی‌کار، منابع طبیعی مانند آب، منابع انرژی، زمین کشاورزی و منابع معدنی از دیر باز دارای اهمیت تعیین کننده برای قدرت ملی شناخته شده‌اند.

کارشناسان مختلف، از آلفرد شیرماهان، تا هانس مورگنتا، استدلال کرده‌اند که یک کشور برای رسیدن به‌جایگاه قدرت‌های بزرگ به‌فضای جغرافیایی و سیع، جمعیت زیاد و منابع طبیعی غنی و متنوع احتیاج دارد. تنها با برخورداری کافی از این منابع است که یک کشور می‌تواند به‌قدرت نظامی بالای دست یابد، همین امر باعث اهمیت زمین به عنوان عوامل تولید درگذشته مطرح بوده است، توسعهٔ قلمرو ارضی به‌بهبود موقعیت اقتصادی کشورها کمک میکرد، و امنیت بیشتری را فراهم می‌ساخت (تریف،پیشین،۲۷٦-۲۷۵)

اصولا هرنوع فعالیت و عملکرد متغیرهای اقتصادی نیازمند محیط و بستر امن و مناسب است. هرعمل و حرکتی‌که فضای امن مورد نیاز روابط اقتصادی را مختل و با چالش مواجه نماید اثر منفی بر رفتار متغیرهای اقتصادی خواهد گذاشت. درکل امنیت نیاز اساسی، واقعی و قطعی هر نوع فعالیت اقتصادی است. از سوی دیگر فعالیت‌های مناسب اقتصادی -که موجب تحرک اقتصادی و شکوفایی اقتصادی گردد – نیز از آن جهت‌که اقتصاد از مؤلفه‌های قدرت جوامع وکشورها به‌شمار می‌رود به‌روند بهبود امنیت کمک خواهد نمود.

امنیت و رشد و توسعه اقتصادی لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به این معناکه هرنوع نا امنی (عدم امنیت‌که می‌توان آن را بحران سیاسی و اجتماعی و بی‌ثباتی هم تعبیرکرد) اثر منفی بر فعالیت‌های سالم اقتصادی دارد و از سوی دیگر یک اقتصاد ضعیف و راکد زمینه و بستر مناسب را برای انواع نا امنی فراهم می‌سازد (آذری، ۱۳۷۸، ٤٦).

سه عامل اساسی؛ زمین، کار و سرمایه، منابع اولیهٔ هرنوع فعالیت اقتصادی به‌شمار می‌روند؛ زمین هم به لحاظ ژئوپولوتیک و هم از نظر بهره وری اهمیت ویژه دارد؛ کار و

سرمایه مهم‌ترین ارکان تولید به‌شمار می‌روندکه در اقتصاد به‌صورت مختلف در تبیین تابع تولید به‌کار می‌روند. مانند تابع تولید کاب داکلاس ($q=Ak^{\alpha}L^{\beta}$ که q تولید، k سرمایه، L نیروی کار و β و α و A پارامترهای آماری هستند). از آنجاکه کار و سرمایه منشأ هر نوع تولید و فعالیت اقتصادی است، می‌توان چنین نتیجه گرفت‌که همچنین می‌توانند منشاء هر نوع بحران اقتصادی نیز باشند. هرعاملی‌که بر کار و سرمایه اثر منفی داشته باشد، تأثیر بی ثباتی بر اقتصاد قلمداد می‌شود. اصولاً هر سیاست توسعه اقتصادی نه تنها به‌قیمت و عرضه و تقاضا حساسیت دارد، بلکه به‌شدت به‌بحرانهای سیاسی و نظامی واکنش نشان میدهد(آذری، پیشین،٤٦). روند حرکت متغیرهای اقتصادی با توجه به‌اهداف و سیاست های اقتصادی کشورها شکل میگرد. سیاستهای اقتصادی غالباً و عمدتاً چهار هدف را دنبال می‌کندکه عباتند از:

- ✓ **کنترل تورم (جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها).**
- ✓ **افزایش اشتغال (کاهش بیکاری).**
- ✓ **افزایش رشد و توسعه اقتصادی.**
- ✓ **افزایش رفاه اجتماعی (کاهش فقر).**

متغیرهای اقتصادی درجریان حرکت خود از حساسیت بالای برخوردار است و سریع واکنش نشان میدهند. بخش عمده ازعکس‌العمل‌های متغیرهای اقتصادی–که آن‌ها را از اهداف دور می‌سازد– پاسخی است به‌متغیرهای سیاسی (بحران و نا امنی)؛ مثل توریسم، بورس و سرمایه گذاری(اعم ازداخلی و خارجی)که هم از حساسیت بیشتری برخوردارند و هم سریعتر واکنش نشان می‌دهند (همان،٤٥).

اهمیت وجایگاه امنیت، رشد و توسعه

الف) امنیت اقتصادی

مسائل‌امنیت خصوصاً امنیت اقتصادی ازمسائل حیاتی و اساسی بسیار مهم همهٔ کشورها و جوامع بشری است. به‌طوری‌که کشورها بودجه‌های هنگفتی را برای این امر مهم و حیاتی هزینه می‌کنند. کشورهای‌که از این نعمت با ارزش، محروم هستند ارزش امنیت را بیشتر از کشورهای‌که امنیت دارند درک می‌کنند.

کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته و در حال توسعه برای نیل به‌رشد و توسعه اقتصادی و رفاه جامعه شان، تلاش دارند تا زمینه فعالیت‌ها و رقابت‌های سالم اقتصادی، اشتغال و سرمایه‌گذاری را فراهم نمایند. امنیت اقتصادی به‌معنی بوجود آمدن محیطی امن است که درآن سرمایه‌گذاران، کشاورزان و دامداران، مبدعان ومبتکران، جویندگان کار و مشاغل، همه و همه در برابر فشارهاو تهدیدهای مالی وجانی، داخلی و خارجی حفاظت شوند، تا مردم و خصوصا نیروهای فعال و مولد اقتصادی از امنیت و ثبات کشور مطمئن شده و احساس آرامش کنند؛ چنانچه در کشوری امنیت وثبات سیاسی لازم وجود نداشته باشد، فرار مغزها و نیروهای خلاّق و سرمایه‌ها ازآن کشور قطعی خواهد بود، هیچگونه ابتکار و نوآوری و تولید درآن کشور پدید نخواهدآمد.

امنیت اقتصادی یکی از شرایط مهم رشد و توسعه اقتصادی است. کشمکش‌های سیاسی، جنگ‌های داخلی و نا دیده گرفتن منافع ملی ومصلحت عمومی ازسوی زورمندان و حاکمان، پدیده های است‌که امنیت را هرلحظه تهدید نموده وعرصه را بر هرگونه فعالیت اقتصادی تنگ خواهد نمود. اصولا نظام اقتصاد سالم و پایدار درکشورهای شکل می‌گیرد که امنیت و خصوصا امنیت اقتصادی از اولویت کاری حاکمان آن شمرده می‌شود. مهمترین و اساسی‌ترین اقدام برای کشورهای درحال توسعه و جهان سوم، دست یافتن به امنیت به‌ویژه امنیت اقتصادی به‌عنوان مقدمه و شرط لازم برای رشدو توسعه یافتگی است؛ تادرسایه آن به‌یک نظام اقتصاد سالم و پویا برای ارتقاء سطح تولید(کمی وکیفی) و افزایش درآمد و بهینه سازی منابع دست یابد و درنهایت به‌رفاه اقتصادی و ارائه خدمات بهتر و رفع فقر و محرومیت که یکی‌از اهداف رشد و توسعه است نایل آید (یوسفی، پیشین،۳۱۸).

امنیت اقتصادی به عنوان اساسی‌ترین رکن رشد و توسعه یافتگی دو جنبه دارد:

۱) امنیت سرمایه‌گذاری؛که درسطح شرکت‌ها و بنگاه‌ها و دیگرطرح‌ها و پروژه‌های بزرگ و کوچک ملی مطرح است،که باید دولت‌ها به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی اطمینان داده و زمینه اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی سود آور و مولد را فراهم نماید تا اشتغال و رشد و توسعه اقتصادی را در پی‌داشته باشد.

۲) امنیت اشتغال و درآمد؛که توده مردم و اقشار جامعه را شامل می‌شود. که بازهم دولت‌ها موظفند با ایجاد قوانین از هرگونه ظلم و بهره‌کشی و تعدی و تجاوز کارفرمایان نسبت به‌کارگران و حقوقشان جلوگیری نمایند، تا امنیت شغلی و درآمدی کارگران تأمین شود (جهانیان، پیشین، ۹).

از منظراسلام برخلاف مکتب سرمایه‌داری، امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد جدا ازهم نیستند،که اول امنیت سرمایه‌گذاری تأمین شود، سپس وقتی توزیع غیر عادلانه و فقرکمر قشر محروم و کم درآمد جامعه را خم نموده وهمگان رابه ستوه آورد، بحث امنیت اشتغال و درآمد مطرح شود (همان،۱۰).

ب) رشد

به‌طورکلی رشد اقتصادی به‌علت قابلیت لمس و مشاهده سریع آن درجامعه، در این رقابت جهانی برسر موضوعات مربوط به‌توزیع اقتصادی، داخلی وخارجی در دستورکار اقتصاد ملی اولویت یافته است. درسال‌های اخیر الگوهای رشد اقتصادی در صحنه بین المللی دچار تغییرات مهمی شده است؛ درکشورهای ثروت مند، انتظارات به تدریج پایین آمده است در حالی‌که درکشورهای درحال توسعه که سوابق رشد اقتصادی بسیار پایین بوده است، تب تندی بیش از هرزمانی دیگر به چشم می‌خورد.

رشد اقتصادی پایدار

افزایش بلندمدت درآمد سرانه، باید به‌نحوی باشد که منابع موجود به تحلیل نرود و اگر از بین رفت، منابع دیگری جایگزین آن گردد. رشد پایدار از شرایط زیر پیروی میکند:

الف) رشد مداوم؛ منظور از رشد یا افزایش مداوم آن است‌که افزایش درتولید ملی به اندازه‌ای است که در یک دوره بلندمدت روند خود را طی می‌کند؛ بدون این که نوسانات کوتاه‌مدت اقتصادی بتواند موجب از بین رفتن این رشد شود (کوزنتس، پیشین، ۲۸).

ب)رشدمتوازن؛ زمانی یک اقتصاد، دوره رشد متوازن را طی می‌کند که کلیه متغیرهای موجود درآن (مثل درآمدملی،مصرف،کالای سرمایه‌ی و اشتغال) یا با نرخی ثابت و یکسان در حال رشد باشند و یا اصلا دارای رشد نباشند؛ به‌هنگام رشد در وضعیت متوازن، نسبت های متغیرهای جمعی، نسبت به‌یکدیگر بدون تغییر باقی می‌مانند (جونز،۵۳،۱۳۷۰).

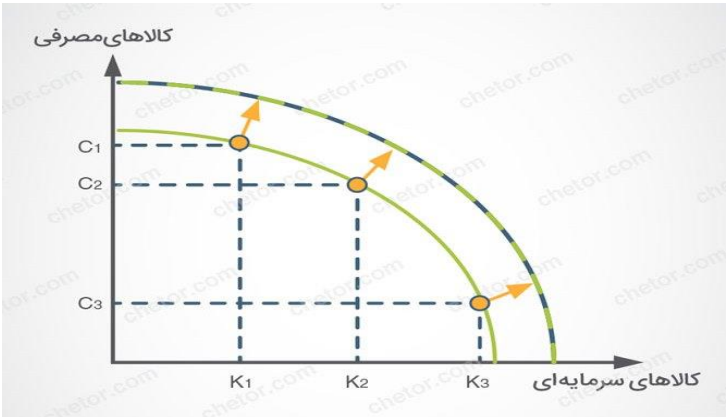
ج)رشد فراگیر؛ این مفهوم، ازاندیشه‌های روزن اشتاین- رودن[1] سرچشمه می‌گیرد. او از فلسفه رشد متوازن حمایت کرده و معتقد بود درکشورهای درحال توسعه، به‌دلیل وجود بازارهای محدود، تقاضا دچار محدودیت است؛ هرگاه صنایع متعدد به‌طور همزمان تأسیس شوند،هرصنعت می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز دیگر صنایع باشد. به این ترتیب، تقاضای کل، چنان فزونی می‌گیردکه صنایعی پیش‌تر غیر اقتصادی بودند، امکان زیست می‌یابند (مریدی، ۱۳۷۳، ۳۷٦).

د) نرخ رشد؛ نرخ رشد یک متغیّر اقتصادی، عبارت است از نسبت مقدار افزایش در آن متغیر به مقدار اولیه آن (جونز، پیشین، ۵۳).

هـ) مسیر رشد؛ مسیر رشد، نشان‌دهنده طرح واقعی یا مورد پیش‌بینی طی زمان است. استراتژی‌های توسعه، از مسیرهای مختلف نتیجه می‌دهد. اگر مقدار زیادی سرمایه در صنعت سازنده کالای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری شود، مسیررشد به آهستگی بالا می‌رود؛ تا آن زمان که صنایع به میزان بسنده استقرار یابد و توسعه صنعت، در زمینه تولید به اجرا درآید و آن، هنگامی است‌که مسیر رشد بتواند به‌تندی صعود کند (فرهنگ، ۱۳۷۱، ۸۸۵).

رشد اقتصادی باعث می‌شودکه منحنی امکانات تولید به طرف خارج تغییر مکان بدهد. این تغییر مکان، یا ناشی از افزایش در مقادیر منابع تولیدی جامعه یا ناشی از پیشرفت فن‌آورانه است. ساده‌ترین راه برای نشان دادن رشد اقتصادی، تقسیم کردن تمام کالاها به دو دسته‌ی اصلی «کالاهای مصرفی» و «کالاهای سرمایه‌ای» است. جابه‌جایی رو به بیرون منحنی امکانات تولید به این معنی است‌که ظرفیت اقتصاد برای تولید، افزایش یافته است.

[1] – Rosenstein-Rodan



رشد اقتصادی باعث می‌شود که منحنی امکانات تولید به طرف خارج تغییر مکان بدهد؛ این تغییر مکان، یا ناشی از افزایش در مقادیر منابع تولیدی جامعه، یا ناشی از پیشرفت فن‌آورانه است (نخعی و نجارزاده، ۱۳۸۲، ۸۶).

آثار و مطلوبیت رشد اقتصادی

امروزه رشد اقتصادی به‌دلایل زیر مطلوب کشورها است:

۱) بهبود آشکاری در وضعیت معاش، آسایش و مصرف شمار زیادی از مردم پدید آورده؛ به نحوی که اکنون در مقایسه با گذشته، مردم از تغذیه، وسایل زندگی، پوشاک، وسایل آموزشی و کالاهای مادی بیشتری برخوردارند.

۲)رشد، باعث افزایش محدوده انتخاب انسان به‌ویژه برای زنان وکودکان برای انتخاب شغل و نوع زندگی و پذیرش ارزش‌ها می‌شود.

۳)پیشرفت فنّ‌آوری سبب می‌شود میلیون‌ها نفر از انجام کارهای طاقت‌فرسای جسمی بی نیاز و در وقت انسان‌ها صرفه‌جویی شده وطبیعت درتسلّط نسبی بشر قرارگیرد.

٤)رشد موجب شکوفایی استعدادها و به‌کارگیری قوه ابتکار وخلاقیّت درزمینه علوم مختلف از جمله در سازماندهی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تشکیل نهادهای مربوطه شده وسبب حاکمیت قانون، درصحنه‌های سیاسی می‌گردد.

۵)وابستگی متقابل مثبت و فزاینده جهانی؛ به‌نحوی که جهان به منزله دهکده کوچکی شده که هرچه در یک نقطه کوچک و دور افتاده اتفاق بیفتد، تمام دنیا از آن مطلع می‌شوند، از رشد اقتصادی بلندمدت ناشی می‌شود.

٦) قدرت‌سیاسی–نظامی کشور در داخل و در عرصه بین‌الملل افزایش می‌یابد (جهانیان، ۱۳۸۸،۳٦). به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که همراه باتوسعه اقتصادی حتماً رشد

اقتصادی حاصل شود؛ اما گاهی رشد اقتصادی منجر به‌توسعه اقتصادی نمی‌شود (روزبهان، ۱۳۸۳، ۱۰-۹).

ج) توسعه

رشد و توسعه اقتصادی و برخوداری از یک اقتصاد قوی و پررونق و پرتحرک و پویا به خودی خود یک مسأله امنیتی است. رمز «توسعه اقتصادی و امنیت اقتصادی » این است‌که امکانات اقتصادی یا مادی جزو ارزش‌های اساسی است‌که باید تعقیب و حمایت کرد. در این‌جا دو نکته نهفته است؛ نخست اینکه وجود یک اقتصاد ضعیف، بیمار و رو به افول می‌تواند ثبات سیاسی را دریک کشور بهم بزند و کشور را از درون دچار بحران اجتماعی نماید؛ از قبیل قتل، سرقت، غارت، فحشاء، رشوه ستانی، فساد مالی و... که عواقب سوئی را برای امنیت ملی دربرخواهد داشت. دوم، یک اقتصاد ضعیف، ورشکسته و راکد می‌تواند حاکمیت و فعالیت دولت را با فشارهای خارجی رو برو سازد و استقلال اقتصادی یک کشور را با خطر وابستگی اقتصادی مواجه سازد. این دو حقیقت کاملا باهم ارتباط دارد و این امر در موردکشورهای درحال توسعه بیش از دیگران صدق می‌کند.

امنیت اقتصادی وتوسعه یکی از دغدغه‌های اصلی بسیاری ازکشورهای درحال توسعه بوده است؛ زیراکه این کشورها به‌طور مصنوعی براساس تصمیم قدرت‌های استعماری اروپا به‌وجود آمده‌اند و مرزهای شان هیچ یا چندان ارتباطی باجمعیت چند قومی آن‌ها ندارند. ایجاد وفاق سیاسی و اجتماعی میان اقوام گوناگون با خواسته‌های متعارض، کاری بسیار دشوار است. فقدان این وفاق باعث به خطر افتادن امنیت و حیات سیاسی کشور، ترکیب منطقه ای کشورها و حتی امنیت بین المللی می‌گردد (تریف، پیشین،۲۷٤- ۲۷۳).

هرگاه درجامعه وکشوری شاخصه‌های امنیت در انواع فعالیت‌های اقتصادی ازجمله امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد (که همراه با امنیت سرمایه گذاری ممکن است) وضعیت بهتری پیدا کند،آنگاه زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی تاحدی زیادی فراهم خواهد شد. این شاخصه های کلی عبارتند از:

۱) برقراری ثبات سیاسی در سایه سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی.

۲) مشارکت فراگیر مردمی در سایه آزادی‌های مدنی، حقوقی و سیاسی.

۳) نظام حقوقی سالم درپرتو حاکمیت نظم و قانون وکاهش خطر ابطال قراردادها توسط حاکمان و دولت‌ها.

٤) نظام اداری سالم در پرتوکاهش میزان فساد مالی.

۵) کاهش میزان خشونت سیاسی در سایه ملت سازی وکم شدن تنشهای قومی، مذهبی و زبانی و کاهش احتمالی جنگ‌ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی (جهانیان، پیشین، به‌نقل از روزنامه سلام مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۹).

امنیت اقتصادی بطورکلی دو وجهه دارد؛ وجهه نخست به‌تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن ازآسیب وابستگی به‌کشورهای دیگر مربوط می‌شود. اقتصاد کشورهای توسعه نیافته از دیر باز به دلیل عوامل گوناگون به‌صورت وابسته و حتی زائده اقتصاد کشورهای بزرگ صنعتی درآمده است. از وجوه مهم این واقعیت، تک محصولی بودن اغلب این کشورها، وابستگی شدید این‌کشورها به‌سرمایه و تکنولوژی کشورهای پیش رفته و صنعتی غربی است؛ این وضع، امنیت اقتصادی این کشورها را سخت آسیب پذیر می‌کند؛ بنابراین یکی از وجوه امنیت اقتصادی، تلاش برای نیل به‌استقلال اقتصادی است. وجه دیگری امنیت اقتصادی متوجه کشورهای پیشرفته و صنعتی است؛ امنیت اقتصادی این کشورها نیز با مواد خام وارداتی ازکشورهای توسعه نیافته و درحال توسعه پیوند خورده است؛ این‌کشورها نیز به نوعی وابسته‌اند، اما این وابستگی با وابستگی پیشین متفاوت است. به این ترتیب مناسبات اقتصادی جهان هم می‌تواند بر اساس نیاز باشد و هم توسعه طلبی، هردوی اینها امروزه انگیزه مهمی در روابط اقتصادی و منشاء درگیری‌های در صحنه بین المللی هستند(روشندل، ۱۳۵۸: ۲۲).

راهکار تأمین امنیت اقتصادی

در دنیای معاصر و با تکنولوژی مدرن امروزی هیچ مشکلی نیست‌که راه‌حل نداشته باشد، از جمله عدم امنیت اقتصادی و نا امنی در بسیاری ازکارهای اقتصادی از قبیل اشتغال، تجارت و سرمایه‌گذاری ممکن است رخ دهد؛ اما برخی نا امنی‌های مکن‌الوقوع (عدم امنیت اقتصادی) را می‌شود به‌وسیله ابزارهای دفع نموده و زمینه وقوع آن‌را نابود کرد و یا به‌حد اقل ممکن رساند؛ با این حرکت افراد جویای کار برای مشاغل پردرآمد حاضر

می‌شوند، در بخش تجارت با بیمه کردن کالاهای تجاری، تهدیدها و زیان های احتمالی که متوجه تاجران و بازارگانان است به‌حد اقل می‌رسد و دربخش سرمایه‌گذاری با بیمه نمودن سرمایه‌های سرمایه‌گذاران در مقابل بلایای طبیعی، زیان احتمالی سرمایه گذاران داخلی و خارجی کاهش خواهد یافت. با از بین رفتن ،کاهش یافتن و به‌حد اقل رسیدن زمینه و بستر نا امنی (عدم امنیت اقتصادی) سرمایه داران شجاعت لازم را بدست آورده و اطمینان نسبی نسبت به‌محفوظ بودن اصل سرمایه وکسب سود پیدا خواهند نمود؛ البته از بین بردن زمینه و بستر نا امنی‌ها، به‌حد اقل رساندن و کاهش دادن آن نیزخود هزینه در برخواهد داشت.

بنابراین؛ هزینه‌های سرمایه‌گذاری و دیگر مشاغل را بالا برده و در نتیجه هزینه تمام شده کالاها و خدمات بیشترشده، تولیدکنندگان و عرضه گنندگان، طبیعی است‌که کالاها و خدمات را گرانتر عرضه خواهد نمود، ولی در عوض‌کالا وخدمات همیشه در بازار برای پاسخگویی به‌نیازهای مردم وجودخواهد داشت و هیچ وقت به‌دلایل ناامنی، کمیاب نخواهد شد. اما در برابر برخی نا امنی‌ها ابزارهای مناسب برای از بین بردن و کاهش دادن و به‌حد اقل رساندن آن وجود ندارد.

برخی از نا امنی‌های‌که جلوگیری از آن مشکل است عبارتند از: عدم حاکمیت نظم، عدم وجود قوانین و ضوابط عادلانه، ابهام در قوانین، خطر بی اعتنایی به‌قراردادها از سوی دولت مردان، خطر سلب مالکیت از سرمایه گذاران خصوصی، احتمال بروز خشونت در کشور بر اثر تنش‌های قومی، نژادی، مذهبی و منطقه‌ی، (بدلیل ضعف دولت و بی عدالتی‌های اجتماعی در تقسیم قدرت و توزیع نا عادلانه ثروت و درآمد ملی) درگیری خارجی، تروریسم سیاسی این‌ها مواردی است‌که ابزاری برای از بین بردن کامل آن وجود ندارد و یا به‌سختی می‌توان جلوی آن‌ها را گرفت (یوسفی، پیشین،۳۲٦).

البته یک حکومت مقتدر و مردم سالار و پایبند به‌قوانین بین المللی و پاسخگو در برابر سازمان‌های بین المللی‌که همه اقوام کشورش به‌صورت مساوی و عادلانه در قدرت سهیم و درحکومت شریک باشند می‌تواند با این بحرانها مقابله کند. چنین حکومتی می‌تواند با مشارکت ملی وپشتبانی مردم خود در برابر هرنوع تهدیدهای داخلی و خارجی

ایستادگی نماید، با وضع قوانین، جلو فساد اداری و دیگر نا امنی‌های اقتصادی را بگیرد.

بنابراین، هرنوع تولید، تجارت، عمران و دیگر فعالیت‌های اقتصادی نیز زمانی رونق خواهد گرفت که زمینه هر نوع تهدید و خشونت و نا امنی ریشه‌کن شده یا کاهش یافته و احتمال وقوع آن به‌حداقل برسد. تنها احساس امنیت است‌که انگیزه سرمایه‌گذاری، تجارت، مبادله، بازرگانی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی و رقابت‌های سالم تولیدی را در جامعه افزایش داده و موجب رشد و توسعه اقتصادی شده و رفاه وآسایش جامعه را به ارمغان خواهد آورد، پس هرکشور و جامعه و دولتی و هر نظامی اگر بخواهد در زمینه ریشه کن نمودن فقر و محرومیت و شکوفا شدن اقتصاد ملی و رسیدن به‌توسعه اقتصادی و رفاه مطلوب جامعهٔ خود موفق عمل کند، ناگزیر باید زمینه‌های انواع نا امنی را از بین برده و یا به‌حد اقل ممکن برساند؛ زیراکه با وجود عدم امنیت هیچگونه فعالیت اقتصادی صورت نخواهدگرفت. افزون براین، نا امنی اقتصادی موجب فرار سرمایه‌های داخلی، فرارمغزها وکارگران ماهر، خلاق، مبتکر به‌خارج از کشور خواهد شد،که این امر پیامدهای شوم و ناگوار اقتصادی را برای کشور در پی خواهد داشت.

یکی از اهداف بنیادی سازمان ملل متحد تامین امنیت و صلح جهانی وکمک به‌توسعه اقتصادی کشورهای عضو این سازمان بوده است‌که در منشوراین سازمان بدان تصریح شده است. پس از پنج‌دهه کوشش سازمان ملل متحدبرای راهبردها و تدوین طرح‌ها و برنامه‌هایی برای کمک به‌کشورهای عضو، به‌ویژه کشورهای رو به توسعه برای برطرف نمودن موانع توسعه و افزایش رفاه جوامع خود و رسیدن به‌یکی از اهداف مهم سازمان ملل، تصویب اعلامیه هزاره در هشت فصل کلی است، که طیف گسترده‌ی از تعهدات در زمینه توسعه حقوق بشر، حکومت مطلوب و مردم سالاری را در بر می‌گیرد. اهدافی را تحت عنوان هدف‌های هزاره مطرح نمودند و همه کشورها متعهد شدندکه به‌آن دست یابند، که این اهداف کلی عبارت است از: ریشه کن نمودن فقرشدید،کاهش مرگ و میرکودکان، بهبود وضع بهداشت، مشارکت جهانی برای توسعه، دستیابی به‌آموزش ابتدایی همگانی و... این اهداف درکنفرانس‌های بعدی سازمان ملل متحد نیز تایید شد. بسیاری از کشورهای رو به توسعه راهبردهای دستیابی به اهداف مزبور را تدوین کرده‌اند. نکته مهم

این است‌که دست یابی به‌این اهداف در فقیرترین کشورها به‌تنهایی ممکن نیست و کشورهای پیشرفته باید تعهدات خود را مبنی بر کمک‌های توسعه‌ی به این کشورها به انجام برسانند. تجربه بسیاری از کشورهای رو به‌توسعه نشان داده است‌که رشد سریع به سوی توسعه هزاره هنگامی ممکن است که رهبرقوی و راهبردها با حمایت فنی و مالی جامعه بین‌المللی همراه شوند. با گذشت بیش از دوسوم از زمان تعیین شده برای دست یابی‌به‌هدف‌های‌توسعه‌هزاره می‌توان گفت‌که چنانچه کشورها تعهدهای خود را عملی‌کنند هم‌چنان این هدف‌ها دست‌یافتنی است (رضای‌اسکندری،ش۲٦٦-۱۲۱،۲٦٥-۱۰۰).

از جمله مهم‌ترین مشکلات کشورها دربرآوردن اهداف توسعه هزاره مواردی چون حکومت‌های ضعیف، ضعف دسترسی به بهداشت و خدمات شهرنشینی بدون برنامه و شتابنده، جنگل زدایی، کمبود آب، نابرابری‌های جنسیتی، افزایش واگیری بیماری ایدز، بیکاری جوانان و دگرگونی آب و هوایی است. برای رسیدن به هدفهای توسعه هزاره و دستیابی به‌رشد پایدار، علاوه بر اجراء تعهدات کشورهای متعهد شده، کشورها باید در چند حوزه اصلی به آستانه‌های پایداری دست یابند. حاکمیت، بهداشت، آموزش، ساخت زیر بناها و دست‌یابی به بازارها، هرکشور باید استراتژی متناسب با شرایط ویژه خود را دارا باشد؛ این استراتیژی‌ها باید چگونگی دستیابی به‌توسعه را تعیین کند و برنامه‌هایش را باید اولویت بندی کند؛کارهای چون: بسیج منابع داخلی، تخصیص مجدد هزینه‌ها به‌سوی خدمات یا برای فراهم آوردن منابع خصوصی اصلاحات مدیریت اقتصادی، تأمین منابع مالی و تکنولوژیکی از طریق قرارداد باکشور ثروتمند، در غیرآن به‌توسعه پایدار دست نخواهد یافت (همان).

تأثیر متقابل امنیت اقتصادی، رشد و توسعه در اسلام

جهان درعصر بعثت، شاهد قدرت‌های عظیم اما متزلزل، مذاهب بزرگ، اما گرفتار خرافات وکج فکری‌ها، قوانین ظالمانه، اختلاف عمیق طبقاتی، قتل عام‌ها، جنگ‌ها و تعصبات ناروا بود. امیرالمؤمنین علی(ع) جهان در زمان ظهور دین مقدس اسلام را درخطبه از نهج البلاغه چنین توصیف می‌نماید: «خداوند پیامبراکرم(ص) را وقتی فرستادکه از دیر زمان پیامبری نیامده بود، ملت‌ها در خواب طولانی فرو رفته بودند، سررشته کارها از هم

گسیخته بود، جنگ‌ها همه‌جا شعله‌ور بود، دنیا را تاریکی وجهل وگناه تیره ساخته بود، فریبکاری آشکار بود، برگ‌های زندگی بشر به‌زردی گراییده و از آن امید ثمری نبود، آبها فرو رفته و فروغ هدایت خاموش شده بود، بدبختی به‌مردم هجوم آورده و چهره کریه خود را نمودار ساخته بود، این فساد و تیره روزی چیزی جز فتنه به بار نمی‌آورد. هراس، دلهای مردم را فرا گرفته و پناهگاهی جز شمشیر خون نداشتند» (غفاری،۱۳۸۸، ٦).

هم‌چنین آن حضرت درجای دیگری در نهج البلاغه می‌فرماید: «خداوند حضرت محمد(ص) را فرستاد تا جهانیان را از راهی‌که در پیش‌گرفته بودند بیم دهد و او را امین دستورهای خود قرارداد. درآن حال شما ای گروه عرب، بدترین دین را داشتید و در بدترین سرزمین زندگی می‌کردید. در بین سنگ‌های خشین و مارهای گزنده می‌خوابدید. از آب تیره می‌نوشیدید، غذای خوبی نداشتید، خون یکدیگر را می‌ریختید، پیوند خویش را از نزدیکان می‌بریدید، و با آنان ستیز می‌کردید، بتها در میان شما برپا بود وگناهان دست و بال شمارا بسته بود » (نهج البلاغه، خطبه ٢٦).

بدین‌ترتیب وضعیت سیاسی اجتماعی مردم جزیرۀ العرب بد تر از سایر نقاط جهان بود؛ از فرمایشات امیرمؤمنان(ع) پیداست‌که اعراب آن روز در نبود حاکمیت و نظم دست، به‌آشوب و جنگ و قتال می‌زدند و از طرفی هم آشوب و نا امنی جلو هرگونه کار و فعالیت سازنده اقتصادی راکه موجب تو سعه می‌شد گرفته بود و فقر و تنگدستی زمینه انواع جرایم و قتل و غارت را فراهم می‌کرد .

نبی مکرم اسلام(ص) پس از تشکیل حکومت اسلامی در « مدینه منوره » پیمانی را با یهودیان و نصرانی‌ها امضاء کردکه تأمین‌کننده حقوق مسلمانان و غیر مسلمانان بود، در بین مسلمانان مهاجر و انصار عقد اخوت و برادری جاری نمود،که در پی آن انصار مهاجرین را در اموال شان شریک ساختند. هم‌چنین بین دو قبیله اوس و خزرج آشتی داد و با تشکیل حکومت اسلامی جنگ‌های قبیله‌ی، قتل، غارت، راه زنی، ظلم و بی‌عدالتی، بهره‌کشی، تبعیض نژادی و دیگر پدیده‌های مخالف فطرت و تکامل بشر و آموزه‌ها و قوانین اسلام در آن سرزمین ریشه کن شد. پس از تشکیل حکومت اسلامی نفاق،کدورت، دشمنی و عداوت، جایش را به اخوت، برادری، تعاون و همکاری داد.

در زمینه اجتماعی نیز پیامبراسلام(ص) پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه منوره بخش اعظم ازفعالیت هایش را برامنیت عمومی جامعه متمرکز ساخت، بدین منظور گروه‌های خاص و ویژه راتشکیل دادکه وظیفه تأمین امنیت عمومی جامعه اسلامی را از همه جهات عهده دار شوند. جامعه تازه آزاد شده اسلامی از هرگونه برخورد و نزاع، دزدی و غارت اموال عمومی و خصوصی، راه‌زنی، فساد، فحشاء، تصرفات و تجاوزات غیر قانونی، کلاه برداری، تقلب و بسیاری از مسائل دیگرکه در حوزه وظایف امنیت عمومی قرار دارد محافظت نماید. در صورت وقوع جرم و تخطی از قانون عاملان آن‌را شناسایی نموده و مجازات نمایند.که ازآن جمله نیروهای به فرماندهی «سعد وقاص» بود (رازانی،۱۳۸٦،٤۲۹).

مسلمانان صدراسلام از رشد و شکوفایی عظیم اقتصادی بهره مند بودند، این رونق اقتصادی در اثر مدیریت صحیح و سالم شخص نبی اکرم(ص) و تیزهوشی و درایت امیرالمومنین علی(ع) بود. بعد از ظهور اسلام در سرزمین وحی و نافذ شدن قوانین اسلام و تامین امنیت بویژه امنیت اقتصادی و اجرای عدالت، امنیت جانی و مالی و شغلی مردم فراهم شد، مردم احساس آرامش نموده و امید به‌زندگی توأم با عدالت در مردم بوجود آمد. انواع فعالیت‌های اقتصادی شروع شد، تاجران به‌تجارت روی آورده آن‌را گسترش دادند، دامداران به‌دامداری مشغول شده، کشاورزان کشاورزی را وسعت داده و صنعت گران به‌صنعت رونق دادند و دیری نگذشت‌که مسلمانان تقریباً در همه‌ی زمینه‌ها خودکفا شدند؛ خصوصاً در صنعت و شمشیرسازی و بدین سان اقتصاد مسلمانان بزودی در اثر سعی و تلاش و جدیت شکوفا شد.

بوجود آوردن امنیت که تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه اقتصادی دارد، بدون نظم و امنیت عمومی و بویژه امنیت اقتصادی هرگز آن رشد و توسعه میسر نمی‌شود، تجربه موفق مسلمانان در صدر اسلام بود، بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و حتی بعد از پیامبر(ص) تا مدت‌ها، تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا امنیت مسلمانان تأمین شود، اسلام با تأمین امنیت جامعه هراسان و مضطرب آن روز را از نا امیدی و رکود اقتصادی بیرون آورده به‌توسعه و شکوفایی اقتصادی رساند، وگرنه این جامعه همان جامعه‌ی بودکه

قبل از ظهور اسلام، جز قتل و غارت، راهزنی و ربا خواری فرهنگ و سنتی نداشتند.

هر نظام اقتصادی‌که بخواهد، زمینه کار، اشتغال، افزایش تولید و دیگر فعالیت‌های اقتصادی در راستای توسعه را ایجاد نماید، بطور طبیعی باید ابتدا شرایط مناسب بینشی، رفتاری، ارزشی و فرهنگی کار، اشتغال و تولید را فراهم سازد و سپس مکانیزم‌ها و متغیرات مستقل و تابع اقتصادی را هماهنگ و سازگار با عناصر فرهنگی بکارگیرد. ابتدا باید فرهنگ سازی شود، چنانچه این کار در صدر اسلام صورت گرفت و قوانین اسلامی بر جامعه حاکم شد و احکام اسلامی در مورد تک تک افراد جاری می‌شد تا زمینه رشد و توسعه اقتصادی مسلمانان فراهم شد.

امنیت در قرآن

امنیت از دیدگاه قرآن‌کریم، آن قدر مهم است‌که هم اوصاف با ارزش و پر اهمیت مقدس‌ترین مکان (مکه مکرمه) و هم جزء اوصاف والاترین مکان در سرای آخرت یعنی «بهشت برین » شمرده می‌شود؛ امنیت همواره از آرزوهای دیرینه بشر در همه‌ی قرون و اعصار با هر دین و آیین و فرهنگ و سنت بوده است. بدون امنیت، هرج و مرج به‌پا شده نظام زندگی اجتماعی مختل خواهد شد، چنانچه مردم در شبه جزیره عربستان قبل از ظهور دین مقدس اسلام به‌آن مبتلا و گرفتار بودند. بدون امنیت هیچ‌گونه کار و تلاش، سعی و کوشش و اصولاً هیچ انگیزه برای فعالیت های اقتصادی ایجاد نمی‌شود، بدون امنیت هرگز عمران و آبادانی رو نما نشده، توسعه در هیچ زمینه‌ی، چه توسعه اقتصادی و چه فرهنگی و سیاسی ایجاد نخواهد شد. خداوند با توجه به‌جایگاه، ارزش و اهمیت «امنیت» در دیدگاه بشر، اینکه «امنیت» چقدر در نزد انسان‌ها دوست داشتنی است، سوگند یاد می‌کند به مکانی‌که یکی از اوصاف مهم آن امن و امنیت است.

خداوند می‌فرماید: (سوگند به این شهر (مکه) امن و امان)[1]. هم در مورد اوصاف سرای آخرت و جایگاه ابدی انسان‌ها یعنی بهشت می‌فرماید: (داخل بهشت شوید؛ در حالیکه

[1]) تین: « وهذ البلد الامین» آیه۳.

دارای سلامت و امنیت هستید) [1].

نداشتن امنیت یکی از موانع عمده درتوسعه نیافتن زندگی انسان‌ها در طول تاریخ بوده است، سعی و تلاش برای ایجاد امنیت همواره یکی از مهم‌ترین مسائل و اولیت کاری حاکمان بشر و رئیسان قبایل بوده است؛ حتی در دوران زندگی بدوی، بشر همواره به دنبال امنیت و آرامش بوده و با هر وسیله‌ی دفاعی‌که داشت، سعی می‌کرد امنیت خود و خانواده و اقوام و فامیل و قبیله خود را تامین کند. چنانچه این گفتار درکلام ابراهیم(ع) به بزرگترین خواسته و آرزو مطرح است؛ ابراهیم (ع) استدعا می‌نماید: (پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قراربده). [2]خداوند بزرگ نیز دعای آن حضرت را اجابت نمود و نعمت امنیت را برای این مکان اعطا نمود؛ فرمود: (درآن خانه، آیات ربوبیت هویداست و مقام ابراهیم خلیل است. هرکه درآنجا داخل شود، در امان است). [3]

خداوند می‌فرماید: (آیا ندیده‌اندکه ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم) [4]. وقتی عده‌ی از اهل قریش می‌گویند: ای پیامبر! اگرما به‌تو ایمان بیاوریم، اینها ما را از سرزمین خود بیرون می‌کنند و ما در امنیت نیستیم، خداوند در پاسخ میفرمایند: (آیا ما حرم مکه را برایشان محل امن و آسایش قرار ندادیم)[5]. خداوند در قرآن، مکه را شهری نمونه از نظر امنیت میخواند: «و ضرب الله مثلا قریۀ کانت امنۀ مطمئنۀ؛ » (و خدا بر شما مثل آورد؛ مثل شهری را (چون شهر مکه)که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی میکردند).

---

[1]) حجر: « ادخلوها بسلام آمنین» آیه١٤٦.

٢) بقره: « رب اجعل هذا بلداً امنا» آیه١٢٦.

٣) عمران: « فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان امناً » آیه٩٧ .

٤) عنکبوت: « اولم یرونا انا جعلنا حرماً امناً » آیه٦٧.

٥) قصص: « اولم نمکن لهم حرما امناً » آیه٥٧.

امنیت در روایات

حضرت علی(ع) امنیت را نعمت گوارا می‌داند،که سرمنشأ رفاه زندگی، رشد و توسعه اقتصادی، عمران و آبادانی و آسایش شهروندان است، هرنوع فعالیت اقتصادی، اعم از تولید، تجارت، بازرگانی و صنعت متوقف برآن است می‌فرماید: «لانعمهٔ اهناً من الامن»؛ هیچ نعمتی گوارا تر از امنیت نیست (آمدی،۱۳۸٤،ج٦، ص٤٣٥، ش١٠٩١١). به‌تعبیر فنی ادبی، عبارت « لا نعمهٔ » نکره در سیاق نفی است، و افاده عموم می‌کند. هیچ مخصصی برای این عبارت یافت نشده‌که نعمتی از نعمت‌های دنیوی گوارا تر از امنیت باشد، افزون برآن از این فرمایش حضرت(ع) استفاده عموم می‌شود، پس انواع امنیت از جمله امنیت اقتصادی را شامل می‌شود.

در نظام اقتصادی اسلام، امنیت و بویژه امنیت اقتصادی، خود به‌صورت هدف مطرح است؛ هدف مقدمی‌که اهداف عالی‌تر متوقف برآن است؛ تا شرط حاصل نشود ممکن نیست مشروط محقق شود. از این رو حضرت علی(ع) نسبت به‌مقدمه و شرط بودن امنیت برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی این‌گونه تصریح می‌نماید: « رفاهیهٔ العیش فی الامن» رفاه و آسایش زندگی در امنیت است (آمدی، پیشین، ج١، ص١٢٣). از نظر مکتب حیات بخش اسلام، جایگاه و ارزش امنیت آنقدر مهم است‌که امیرالمومنین(ع) در مورد آن به کرات سخن گفته‌اند. حضرت می‌فرماید: « شَرُّ الأوطانِ ما لَم یَأمَن فیهِ القُطّانُ» بدترین وطن‌ها، جایی است‌که ساکنان آنجا در امنیت نباشند (آمدی، پیشین، شرح خوانساری ج٤، ص١٧١، ش٥٧١٢). امام علی(ع) از زاویه دیگر و با فرمایش گهربار دیگری این گونه پیوند و ارتباط میان امنیت و توسعه را بیان می‌فرماید: « شرُّ البلاد بلدٌ لا امن‌فیه ولاخصب» بدترین شهرها، شهری است‌که درآن امنیت و ارزانی (یا رشد و شکوفایی) نباشد (همان، ج٤، ص١٦٥، ش٥٦٨٤).

امام صادق(ع) می‌فرماید: "ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَ الْعَدْلُ وَ الْخِصْبُ" سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی(مجلسی، ١٤٠٤، ج ٧٥، ص ٢٣٤). امام(ع) قید «طراً» را در این بیان آورده و هیچ فردی را از نیاز بدان استثناء ننموده است، بدین جهت‌که همه انسان‌ها به‌آن سه چیز در بقاء خود نیاز دارند و لازمه

زندگی بشر می‌باشند و هریک بر دیگری تأثیر دارد، اگر یکی ازآن‌ها نباشد، نظام زندگی بشر مختل شده و هرج و مرج بوجود خواهد آمد، هرگاه این شاخص‌ها در یک جامعه بوجود آمد، آن گاه آن جامعه بسوی سعادت و توسعه و رفاه حرکت خواهد نمود. امنیت افزون بر اینکه خود بستر روحی جامعه را فراهم می‌کند، زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا می‌سازد و از نظر اسلام مقدمه هر نوع فعالیت در حوزه های مختلف و بخصوص حوزه اقتصادی بوجود آوردن امنیت است .

اسلام ایجاد امنیت را در ارتباط موثر بر پیش شرط‌های دیگر توسعه می‌داندکه بدون فراهم شدن آن‌ها رسیدن به‌توسعه رؤیایی بیش نخواهد بود و آن‌ها عبارتند از:

تأثیر امنیت بر عدالت

امنیت و عدالت رابطه متقابل دارند، یعنی امنیت اجتماعی زمینه دادگرایی و اجرای عدالت را فراهم می‌سازد و اجرای عدالت و دادگرایی زمینه ایجاد امنیت اجتماعی را مهیا می‌سازد (حکیمی،۱۳۸۱، ۲۷). مهم‌ترین رسالت انبیاء و پیامبران آن بوده است‌که انسان‌ها و جامعه را تابع نظام توازن بخش عمومی قرار دهند و پیرو سنت‌ها و قوانین آن سازند، بر این اساس انسان‌ها را ازکجروی و تجاوز به‌حقوق دیگران و عدل ستیزی باز می‌داشتند (همان،۱۲) هرآنچه‌که مخل امنیت و اجتماع بود و با اصول عدالت ناسازگار، کنار می‌زدند و می‌کوشیدند تا امنیت و عدالت برجامعه حاکم شود. اگر جامعه‌ی امنیت نداشته باشد، زمینه اجرای عدالت درآن مهیا نمی‌شود، وقتی عدالت اجرا نشد، جامعه به‌سامان نمی‌رسد.

حضرت‌علی(ع) می‌فرماید: «الرعیهٔ لایصلحها الاالعدل» مردمان جز درپرتو عدل و اجرای عدالت به‌سامان نمی‌رسند (حکیمی،۱۳۸۳،ج٦،ص٤٠٠). مگر سامان یافتن زندگی مردمان جز این است‌که همگان تابع نظم بوده و به قوانین و اجرای عدالت تن داده و گردن نهند، و حقوق همدیگر را رعایت نموده و از تجاوز به اموال عمومی و بیت المال خودداری نمایند و حرمت مال و جان همدیگر را حفظ نموده و همه در قبال عملکردشان در پیشگاه قانون جواب گو باشند.

اسلام در خصوص ایجاد نظم و امنیت و اجرای عدالت‌که بتواند برای امت اسلامی زمینه و بستر انواع فعالیت‌های سالم اقتصادی را فراهم نماید تأکید فراوان نموده است؛

خواستار اجرای عدالت در مورد کسانی است‌که با تجاوز به‌اموال عمومی و بیت المال مسلمین در روند توسعه اقتصاد امت اسلامی اخلال و مانع ایجاد می‌کنند و این حقیقت به خوبی در کلام علی(ع) تبیین شده تا بتواند سیاست توسعه را همراهی کند. در خصوص پایبندی و تمسک به‌معیارهای اقتصادی، ده‌ها گفتار از امام‌علی(ع) منقول است‌که کارگزاران خود را به‌علت تجاوز به‌حقوق دیگران یا اسراف و زیاده روی در بیت المال توبیخ نموده‌اند؛ این مطلب در نامه حضرت علی(ع) به‌زیاد بن ابیه به‌صراحت آمده است چنانچه می‌فرماید: «و انّی اقسم باالله صادقا لان بلغنی انّک خنت من فیء المسلمین شیئاً صغیراً و کبیراً لأشدنّ علیک شدهٔ تدعُک قلیل الوفرهٔ، قلیل الظهر، ضَئِیلَ الامر» به‌خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست‌که اگر به‌من خبر رسدکه در غنایم مسلمانان به‌اندک یا بسیار خیانت کرده ای، چنان بر تو سخت گیرم‌که کم مایه مانی و بار هزینه عیال بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار شوی(نهج البلاغه، نامه‌ها،۳۰).

تأثیر امنیت بر تعاون

مشارکت عمومی و همکاری به‌عنوان یک رکن اساسی در اقتصاد و رسیدن به‌توسعه و رفاه تحت نام نیروی کار در تمام مکاتب اقتصادی مطرح است و رسیدن به‌توسعه و رفاه میسر نمی‌شود، جز در پرتو مشارکت عمومی در تصمیم گیری‌ها و تعاون و همکاری در اجرای طرح‌ها و عمران و آبادانی شهرها؛ اسلام نیز طالب جامعه‌ی است همسو و همدل و همکار برای رسیدن به‌توسعه و رفاه اقتصادی؛که یکی از اهداف نظام اسلامی است و از شرایط مهم آن تعاون و همکاری آحاد جامعه است؛ این تعاون و همدلی حاصل نمی‌شود جز در سایه امنیت و ایجاد فضای لازم برای مشارکت عمومی در فعالیت‌های سالم و حیاتی اقتصادی و احترم گذاشتن همه به قوانین جامعه‌ی که اعضای آن مانند پیکر واحد بوده و با داشتن روابط نیک اسلامی و انسانی فعالیت‌های همدیگر را برای رسیدن به توسعه و رفاه در سایه نظم و امنیت و عدالت پوشش دهند و نواقص کاری را اصلاح نموده و کامل نمایند.

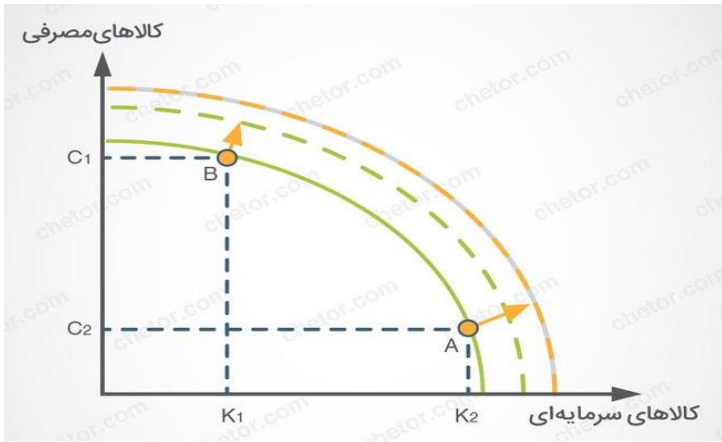
بدین جهت است که در اسلام تأکید زیادی در ایجاد پیوندهای قوی میان اعضای خانواده، فامیل، همسایه و برادر ایمانی شده است. دستور داده است که هر آنچه را برای

خود می‌پسندی، برای دیگران بپسند وهر آنچه را برای خود مکروه و ناپسند می‌دانی برای دیگران نیز؛ همین طور سفارش شده که مؤمنین را قلباً دوست داشته باشید، چنین سفارش هایی تمامی عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و در زمینه‌های مادی و مالی و اقتصادی اثر مطلوب خود را ظاهر می‌سازد (لشکری،۱۳۸۰: ۱۲۲).

جامعه‌ی که امنیت داشته باشند،همدل و همنوا وهمکارند و در عرصه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی پر تلاش ظاهر می‌شوند؛ زیرا در اسلام نفع شخصی ملاک نیست بلکه معیار منافع و مصالح عمومی است. در چنین جامعه‌ی زمینه و امکان استفاده بهینه از منابع کاملاً مهیاست و در چنین جامعه‌ی به‌راحتی می‌شود از هدر رفتن و ضایع شدن امکانات اقتصادی جلوگیری کرد و تولید و بهره وری را افزایش داد. دوران حکومت و خلافت علی(ع) مصداق بارز چنین تعاون و همکاری و همدلی است، دوران حکومت آن حضرت گرچه کوتاه و همراه با جنگ و درگیری بود، اما آن حضرت برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم همت زیاد نمود؛ ثمره این تلاشها ارتقای چشمگیر سطح زندگی مردم کوفه (مرکز حکومت آن حضرت) بود. ایشان بعد از چند صباحی از زمامداری خود وضعیت مردم را چنین بازگو می‌نماید: «ما اصبح بالکوفةِ احدٌ الا ناعماً ان ادناهم منزلةً لیأکل البرّ و یجلس فی الظِّلِّ و یشرب من ماءِ الفرات» همه مردم کوفه برخوردار از نعمت بودند؛ پائین‌ترین طبقات مردم، نان گندم مصرف می‌کردند و صاحب منزل و سرپناه بودند، و از آب گوارا می‌نوشیدند (مجلسی،۱۳۸۰،ج ٤٠،ص۳۲۷).جامعه‌ی‌که ضعیف‌ترین مردم آن در آن روزگار از غذای خوب یعنی نان گندم استفاده کنند و صاحب منزل و سرپناه مناسب و از آب گوارا و محیط سالم زندگی بهره مند باشند، جامعه‌ی است‌که از امکانات اقتصادی مناسب برخوردار بوده و هیچ کس برای امور زندگی در سختی و مشکل به سر نمی‌برند؛ ایجاد چنین وضعیت مطلوب اقتصادی در آن روزگار و در مدت کوتاه حکومت با وضعیت بحرانی جنگ، امری خیلی مشکل است و بدون ایجاد امنیت و روحیه تعاون و همکاری در بین مردم غیر ممکن است.

تأثیر امنیت بر سرمایه‌گذاری

امنیت درکشور باعث می‌شودکه سرمایه‌های راکد از داخل کشور و هم چنین از خارج به داخل کشور سرازیر شده و در فعالیت‌های سازنده اقتصادی و زیربنایی سرمایه‌گذاری شود، شغل‌های کاذب و تورم زا اقتصاد جامعه را بیمار نسازد، نیروهای فعال جامعه با امید و اطمینان و دلگرمی به‌کار و فعالیت و تولید بیشتر مشغول شوند. وقتی مردم اطمینان حاصل نمودندکه‌حق پایمال نمی‌گردد، مزد کار و بهای کالاهای عرضه شده بطورکامل پرداخت می‌شود، همگان با امنیت کامل می‌توانند وارد بازار تولید شوند؛ سرمایه گذاران سرمایه‌هایشان را در چرخه تولید و توسعه اقتصادی بکارخواهد انداخت. آنوقت اگر اقتصادی انتخاب کندکه‌کالاهای سرمایه‌ی بیشتری را درمقایسه با کالاهای مصرفی تولید کند (نقطه‌ی A در نمودار)، رشد آن بیشتر از زمانی خواهد بودکه منابع بیشتری را به تولید کالاهای مصرفی اختصاص داده است (نقطه‌ی B در نمودار زیر).



در بلندمدت، افزایش سرمایه‌گذاری بر روی کالاهای سرمایه‌ای، موجب می‌شودکه بازدهی تولید کالاهای مصرفی، افزایش یابد(nomicsonline).

امام علی(ع) در مورد سرمایه دارانکه در پی سود شخصی‌اند و منافع و مصالح جمع را نادیده می‌گیرند و به‌جای توسعه اقتصاد، یک جامعه را بیمار می‌سازند و فاصله طبقاتی ایجاد می‌کنند، به یکی ازکارگزارانش، چنین سفارش می‌کند: «وتفقد امورهم بحضرتک و فی حواشی بلادک، و اعلم مع ذلک، انّ فی کثیر منهم ضیقا فاحشاً، و شحّاً قبیحاً، و احتکاراً للمنافع، وتحکما فی البایعات، وذلک باب مضرّةٍ للعامّةِ، و عیب علی الولاة، فامنع

من الاحتکار ... فمن قارف حکرةً بعد نهیک ایّاه فنکلّ به، عاقبةُ فی غیر اسراف» برکار آنان (سرمایه داران و بازرگانان) نظارت کن خواه در حضور تو باشند یا در شهرهای زیر فرمان تو، با وجود این بدان که در بسیاری از ایشان، سخت گیری در معامله، بخل زشت، احتکار برای سودجویی و زورگویی در فروختن جنس وجود دارد، (با نرخ گذاری‌های دلخواه و آزادانه) و این‌کار این‌ها مایه زیان عموم مردم و عیب بر زمامداران است، پس از احتکار جلوگیری کن و هرکس پس از نهی تو باز به احتکار وگرانفروشی دست زد، تنبیه و مجازات کن بدون زیاده روی (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

درجای دیگر آن حضرت درباره سرمایه گذارانکه با سرمایه هایشان چرخه‌های اقتصادی جامعه را فعال نموده‌اند و در راه توسعه و رفاه جامعه گام برمی دارند به مالک اشتر چنین توصیه می‌نماید: «حرمت آنان را نگه دار، راه هایشان را امن ساز، حقوقشان را بستان، پس به‌کارهای آنان رسیدگی کن ...» (همان، نامه۵۳).

مردم و زمامداران وظیفه دارند برای رشد و توسعه اقتصادی جامعه بکوشند؛ اگر سرمایه‌ها در جهت تولید و عمران کشور به‌کار نیفتد، جامعه درگرداب تهی دستی و فقر فرو می‌رود.زمینه بیماریهای فردی و اجتماعی را پدید می‌آورد؛ بیماری هایی‌که فرار از مسئولیت و نافرمانی و انجام ندادن درست کارها یکی از نشانه‌های آن است ؛ حضرت می‌فرماید: هرگاه توان و قدرت (اقتصادی یا غیر آن) کاستی یابد، سرباز زدن ونافرمانی وعذرآوری اوج می‌گیرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸٤،ج٦، ص۱۱۵).

زمامداران و حاکمان باید به این نکته توجه داشته باشندکه قدرت آنان در قدرت مردم و جامعه نهفته است و قدرت مردم جز در پرتو سرمایه‌گذری و توان مالی بدست نمی‌آید(حکیمی،۱۳۸۱،۲۳).چنانچه حضرت می‌فرماید:«**کل مقدرۀ یحتاج الی بذل**» هرگونه قدرت و اقتداری به هزینه نیاز دارد(حکیمی،۱۳۸۳، ج۵، ص۹۷).

از آیات و روایات این چنین استنباط می‌شودکه امنیت زمینه ساز رشد و توسعه اقتصادی است و در صورت فقدان امنیت رشد و توسعه اقتصادی به‌وقوع نخواهد پیوست و در نبود توسعه فقر دامن گیر مردم شده و فقر خود بستر انواع جرائم را در جامعه مهیا می‌سازد و جامعه فقر زده برای ادامه حیات و بقاء شان چاره ای جز دزدی و غارت

ندارندکه خود سبب ایجاد نا امنی می‌شود.

وظایف دولت برای رشد و توسعه اقتصادی

دولت از مهم‌ترین نهادهای بشری است که حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. وظایف دولت‌ها درگذر زمان، برحسب دیدگاه‌ها متفاوت بوده است. در قرون اخیر، دیدگاه های گوناگون درباره نقش‌های دولت در عرصه اجتماع مطرح شده است. شکل گیری دولت های مدرن در اروپا و دگرگونی‌های شگرف بعدی آن در مورد وظایف دولت به ویژه وظایف اقتصادی، مباحث بسیاری را در ادبیات مباحث سیاسی و اقتصادی رقم زده است. طیف گسترده دولت حداقلی تا دولت کمونیستی، و تحقق آثار مثبت و منفی هریک در جوامع، موجب شده تصمیم گیری درباره انتخاب دولت مشکل تر شود. از سوی دیگر، در اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت حیطه دخالت آن به تبیین دقیق وظایف دولت اسلامی براساس متون دینی و مقایسه آن با وظایف انواع دولت های مطرح در ادبیات اقتصادی نیازمند است.

در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته و مفیدی دارد (نقشی‌که مصالح و منافع عمومی جامعه را درنظر داشته و به‌رفاه وتوسعه اقتصادی جامعه بیش ازمنافع دولت می‌اندیشد.) نقش دولت ایجاد شرائطی است که مردم بتوانند مطابق اهداف عالیه اسلام زندگی کنند (بناء رضوی، ۱۳٦۷: ۲۰۰).

پیامبراکرم(ص)ازهمان روزهای نخست تشکیل حکومت اسلامی درمدینه، قوانینی در حوزه‌های مختلف اقتصادی ازجمله: تجارت، کشاورزی و صنعت به منظور تنظیم روابط اقتصادی مسلمانان وضع نمود. تحریم برخی معاملات رایج در زمان جاهلیت چون: ربا، احتکار، تلقی رکبان، و تأیید معاملاتی نظیر: بیع، مضاربه، مشارکت و تحریم برخی فعالیت‌های اقتصادی: شراب سازی، پرورش‌خوک، دایرکردن مراکز فحشاء، ترغیب مسلمانان به تولید ازطریق قراردادهای مشروع در اسلام نظیر: مزارعه، مضاربه و مساقات و تعیین مالیات هایی چون خمس، زکات، جزیه و خراج (همان، ۵۵).

مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی[1]

۱ـ تأمین امنیت اقتصادی

چنانچه دربخش‌های گذشته توضیح داده شد، در بیشتر نظام‌های اقتصادی، امنیت اقتصادی شرط اساسی رشد و توسعه و یکی از معیارها و شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود؛ که حتی نظام‌های لیبرال نیز برقراری امنیت را جزء وظایف دولت می‌داند؛ پیامبراسلام(ص) نیز برای جلوگیری از هرج و مرج در فعالیت های اقتصادی مسلمانان و تأمین امنیت بویژه امنیت اقتصادی تلاش‌های فراوان نمود، و دیری نگذشت‌که اقتصاد ورشکسته آن روز مسلمانان را از رکود به شکوفایی رساندکه قبلا به‌تفصیل بیان شد.

۲ـ اجرای عدالت اقتصادی

یکی دیگر از وظایفی‌که دولت اسلامی را ناگزیر به دخالت در اقتصاد می‌کرد، اجرای عدالت اقتصادی بود؛ در صدر اسلام برای دست یابی آن، از چند روش استفاده شد:

الف) ایجاد فرصت‌های برابر؛ برای همه مردم درتولید و تجارت: در تولید حضرت رسول(ص) منابع و ثروت های عمومی را یکسان در اختیار مردم گذاشت. در مورد تجارت و محل بازار فرمود: «بازار مسلمانان همچون مسجد آنان است؛ هرکس جایی را زود تر انتخاب کرد برای استفاده از آنجا تا شب سزاوار تر است.»

و گفته‌اند: امیرالمؤمنین(ع) هنگامیکه مشاهده نمود، عده‌ی در بازار برای خود دکانهایی ساخته‌اند، دستور داد تا آن‌ها را خراب کنند و فرمود: هرکس صبحگاه مکانی را زودتر گرفت دراستفاده از آن بر دیگران مقدم است (همان،ص۵۰) و این بیانگر اجرای عدالت در فعالیت های اقتصادی است .

ب)جلوگیری ازگرد آمدن ثروت‌های حرام: برای رسیدن به‌این هدف، برخی فعالیت‌ها و درآمدها که در دوران جاهلیت رواج داشت ممنوع شد مثل: غش و تقلب، احتکار، ربا، غصب.

---

[1] .ر.ک: غفاری، هادی، نظام اقتصادی صدر اسلام، چاپ دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸. بناء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

ج) گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به فقیران و افراد کم درآمد: دولت اسلامی برای پرکردن شکاف درآمدی بین افراد جامعه اقدام به اخذ مالیات از ثروتمندان می‌نمود و آن‌را به افراد فقیر و ضعیف وکم درآمد پرداخت می‌نمود و این توزیع عادلانه ثروت بودکه طبقات محروم جامعه بیشتر از آن بهره مند می‌شد .

۳ـ برقراری ثبات در بازار

یکی دیگر از وظایف دولت ثبات بازار بود، در صدر اسلام برای ایجاد ثبات در بازار، از دو راهکار استفاده شد:

الف) تصحیح کارکرد بازار: به‌این معناکه قوانین و شرایطی را برای خریدار و فروشنده در معاملات و مبادلات شان وضع نموده و رعایت احکام اسلامی را الزامی می‌نمود مثل نهی از خرید و فروش حرام و باطل، و داشتن خیار در صورت وجود عیب و غبن و نادیده خریدن برای جلوگیری از ضرر و زیان مردم. چنانچه حضرت رسول(ص) فرمود: «اول یادگیری احکام دین، آنگاه خرید و فروش» و نیز بیع غرری را باطل اعلام کرد زیرا که در آن جهل به کالای مبادله شده وجود داشت و هم‌چنین کم فروشی را منع کرد و «ویل لکل مطففین؛ آیه۱» را برای مردم خواند.

ب) تسهیل سازوکار بازار: حضرت رسول (ص) برای جلوگیری از ضرر و زیان اکثریت مردم و تورم و گرانفروشی از تلقی رکبان نهی نمودند و آن به این صورت بودکه گروهی سودجو برای اینکه به‌سود بیشتر برسند به‌بیرون شهر به استقبال کاروان‌های تجاری رفته، کالاهای آنان را خریده وخود به داخل شهرمنتقل نموده و به قیمت دلخواه می‌فروختند، که از این رهگذر هم بازرگانان که از قیمت شهر خبر نداشتند و هم مردم داخل شهر مغبون شده و زیان می‌دیدند، رسول خدا(ص) و حضرت علی(ع) یا شخصاً و یا عاملشان همیشه بر بازار نظارت داشتند و در مورد خلیفه دوم و سوم نیز گفته شده که بر بازار نظارت می‌کردند و در صورت تخلف، متخلفان را تنبیه می‌کردند.

۴ـ عمران و آبادانی

از وظایف دیگر دولت اسلامی عمران و آبادانی است،که از ضروریات جوامع بشری است؛ از آنجایی‌که در صدر اسلام مناطق تحت کنترل دولت اسلامی خیلی وسیع نبود،

بودجه و امکانات زیادی نیاز نداشت، و مدیریت آن خیلی مشکل نبود و عمران و آبادانی تقریبا در ساخت پلها و راه‌ها و نهرهای آب برای کشاورزی خلاصه می‌شد. دولت اسلامی به‌آن اهمیت می‌داد چنانچه این نکته در نامه امام علی(ع) به‌مالک اشتر مطرح شده است که حضرت فرمود: «باید به‌آبادانی شهرها بیشتر ازگرفتن خراج بیاندیشی؛ چون خراج تنها با آبادانی بدست می‌آید و هرکس بدون پرداختن به‌آبادانی شهرها از مردم آن خراج بگیرد، شهرها را ویران نموده و مردمان آن را تباه نموده است و حکومتش جز چند صباحی پایدار نخواهد ماند.

۵ـ ایجاد اشتغال

یکی دیگر از وظایف دولت در صدر اسلام ایجاد اشتغال بود، پیامبر اسلام(ص) پس از تشکیل دولت اسلامی با آنکه گرفتار جنگ با مشرکان قریش و یهودیان بود از این امر غافل نبود و زمینه اشتغال مسلمانان را فراهم می‌ساخت مثل: انعقاد قرارداد مزارعه و مساقات بین انصار (صاحبان زمین) و مهاجرین‌که شغل و زمین نداشتند، تا هم زمینه کار برای مهاجران فراهم شود و هم زمین‌های انصار بهره وری بیشتری داشته باشد و حضرت علی(ع) به مالک اشتر در زمان خشک‌سالی می‌نویسد: «هنگام خشک‌سالی و رکود از میزان خراج بکاه و از این امر نگران مباش، زیرا که این‌کار در دوره های بعدی سبب افزایش درآمد شده و رونق اقتصادی را به دنبال خواهد داشت و مردم خراج بیشتری را خواهند پرداخت».

۶ـ توازن اقتصادی

با توجه به این‌که اسلام خواهان برابری در بین انسان‌ها است؛ نبی اکرم(ص) با گرفتن مالیات و خمس و زکات از ثروتمندان و توزیع آن به فقرا از تمرکز ثروت در دست عده‌ی و فقر و محرومیت عده‌ی دیگر جلوگیری کرد، تا اختلاف شدید طبقاتی کمتر شده و اقتصاد جامعه مسلمانان به‌سوی رشد و توسعه حرکت کند .

از مهم‌ترین تعالیم علوی اصل «اندازه داری «در زندگی، و مصرف متعادل و به اندازه است. جامعه و مردم باید بر اصل تنظیم مصرف، و تقدیر در معیشت تربیت شوند، در زندگی مدیریت اقتصادی داشته باشند» ستیغ بلند این تربیت سازنده، استوارسازی اصل

نظم و اعتدال در مصر است؛ زیرا برنامه ریزی حاکم بر زندگی افراد، و همچنین مؤسسات و نهادها و ادارات حکومتی و بناها و مراکز دینی، هرگاه بر شالوده «میانه روی» و مراعات حدود باشد، و اندازه لازم و مناسب در نظرگرفته شود، و درجهت «قوامیت مال» قرار داشته باشد و زندگی کفافی را پی ریزد. همین چگونگی خود باعث رفاه فرد و امنیت اقتصادی اجتماع خواهد شد.

کمبود هریک از این مواد در بخش‌هایی از اجتماعات، بر اثر مصرف افزون بر حدّ گروه‌های اندک و ثروتمند است. در اثر کاربرد شیوه های نادرست و آزاد گذاشتن اقلیتی مصرف‌گرا و شاد خوار، بیشتر امکانات و کالاها در دست همین گروه های اندک قرار می‌گیرد، آنها به ریخت و پاش و اسراف و تباه سازی کالاها و موّاد می پردازند. اکثریت بشریت دچار فاجعه بزرگ کمبود داری می‌گردند. بدانسان که اکنون شده است؛ یعنی اقلیتی پولدار و مرفّه، اکثریت امکانات رفاهی و مواد غذایی را تصاحب کردند و اکثریت انسان‌ها، دچار کمبودهای ویرانگر شدند. آمارها زبان گویایی دارد، در سرمایه‌های منقول و نامنقول در انرژی، مواد خوراکی، بهداشتی، دارویی، آهن، سیمان، مسکن، خدمات رفاهی، آموزشی و خلاصه هرچیزی‌که به نوعی برای انسان لازم یا سودمند است یا در راه بهینه سازی زندگی و یا رفاهی کارآیی دارد؛ در تمام اینها طبقات سرمایه دار، که درصد کمی را تشکیل می‌دهند، بیشترین سهم را در اختیار دارند و اکثریت جامعه بشری کمترین سهم، در بسیاری از کالاها و امکانات هیچ نصیبی ندارند.

۷ـ حفظ استقلال اقتصادی

یکی از وظایف مهم دولت، استقلال اقتصادی جامعه است؛ دولت اسلامی در صدر اسلام تلاشهای زیادی در این راستا انجام داد، ازگسترش کشاورزی گرفته تا تجارت و صنعت؛ از اطلاق آیات و روایات استفاده می‌شود که اسلام خواهان عزت و اقتدار مسلمانان بوده و وابستگی اقتصادی مسلمانان به‌کفار را نمی‌پذیرد؛ قوام هرجامعه به استقلال اقتصادی آن است و وابستگی اقتصادی وابستگی سیاسی را به دنبال دارد. این گفتار درسخنان امیرالمؤمنین(ع) نهفته است آنجا که می‌فرماید: «**احتجالی‌من‌شئت تکن اسیره**» به هرکس محتاج و نیازمند شوی اسیر او خواهی شد (آمدی، پیشین، ج۲، ص۱۸٤،

ح۲۳۱۳). امام‌علی (ع) نتیجه وابستگی اقتصادی را اسارت و بردگی می‌داند، درجای دیگر می‌فرماید: «استَغن عَمَّن شئت تکن نظیره» یعنی از هرکس بی‌نیاز شدی نظیر و همسان و هم طراز او خواهی شد (همان،ج۲، ص۱۸٤،ح۲۳۱۲).

نتیجه‌گیری

امنیت درکل و امنیت اقتصادی بخصوص، با رشد و توسعه اقتصادی در ارتباط است و تأثیر متقابل بر همدیگر دارد، اگر امنیت، چه دربعد سیاسی و چه دربعداجتماعی و اقتصادی درکشور نباشد درآن کشور سرمایه‌گذاری چه خارجی و چه داخلی صورت نخواهد گرفت؛ این امر باعث خروج سرمایه داران داخلی ازکشورخواهد شد وهیچ‌گونه فعالیت اقتصادی که روزنه امیدی برای رونق اقتصادی باشد ادامه نخواهد یافت.

درصدراسلام، جامعه اسلامی در زمان حیات پُربار نبی مکرم اسلام(ص) با نبود امکانات و تکنولوژی مدرن امروزی، فقط با مدیریت پیامبر اسلام(ص) و تلاش یاران آن حضرت در بوجود آوردن امنیت، مسلمانان صدراسلام از زندگی نسبتاً مرفه‌ی برخوردار شدند و اقتصاد جامعه اسلامی آن روز شکوفا شده بود.

با استقرار امنیت و ثبات سیاسی لازم، همه‌ی عوامل‌تولید بسیج شده و زمینه برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم شده وکشور به سوی رشد وتوسعه اقتصادی حرکت خواهد نمود. کارشناسان و اقتصاددانان معتقدند که رشد وتوسعه اقتصادی هرکشوری در درجه اول درگرو ظرفیت و توان تولیدی آن کشور است و دو عامل در شکل‌گیری توان تولیدی نقش اصلی را ایفا می‌کند (میزان انباشت سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) گرچه این دو مکمل یکدیگرند نه جایگزین ولی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی علت و شرط لازم برای شکل‌گیری، تکوین، تکامل و حرکت به سوی رشد وتوسعه اقتصادی است. از آنجا که اسلام خواهان عزت، سربلندی، استقلال و عدم وابستگی جامعه اسلامی در میان دیگر جوامع است، هرگونه تسلط بیگانه و وابستگی به‌آنان را نفی می‌کند.

فهرست منابع

❖ **قرآن کریم**

❖ **نهج البلاغه**

۱- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چ۲،۱٤۱٤هـ

۲-آذری، مصطفی مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ج۱، تهران، ۱۳۷۸.

۳-بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ویراستار: مجتبی‌عطارزاده، چ۳، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.

٤-تریف، تری و دیگران، مطالعات امنیتی نوین، مترجمان: علی‌رضا طیب- وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۳.

۵-تمیمی‌آمدی، عبدالواحد غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ناشر دار الکتاب الاسلامی، ۱۳۸٤.

٦-تمیمی‌آمدی، محمد، غررالحکم و دررالکلم، شرح خوانساری، ج٦، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۷- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی درجهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات برنامه و بودجه، ۱۳٦٦ش.

۸-تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی درجهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران، موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۸.

۹-جاسمی، محمد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۸۵.

۱۰-جرالد، میر، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، مترجم: غلام‌رضا آزاد ارمکی، نشر نی، ۱۳۷۸.

۱۱-جهانیان، ناصر، اسلام و رشد عدالت محور، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

۱۲-جهانیان، ناصر، امنیت اقتصادی، نشر دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸٤.

۱۳-جونز، هایول، درآمدی به نظریه جدید رشد اقتصادی، صالح لطفی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

١٤–حکیمی، محمد، زمینه‌ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، تهران، ١٣٨١.
١٥–حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاة جلد ٦، دلیل ما، چاپ هشتم، ١٣٨٣.
١٦–خلیلیان اشکذری، محمدجمال، فرهنگ اسلامی وتوسعه اقتصادی، موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، ١٣٨١.
١٧–دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٣٧.
١٨–رادکلیفت، مایکل، توسعه پایدار، ترجمهٔ حسین نیر، وزارت‌کشاورزی، مرکزمطالعات و برنامه ریزی واقتصاد کشاورزی، تهران، ١٣٧٣.
١٩–رازانی، محمدعلی، نظام حکومت اسلامی، کتاب دوم، نشر مام، ١٣٨٦.
٢٠–رضایی اسکندری، داود، اطلاعات‌سیاسی– اقتصادی، شماره٢٦٦–٢٦٥.
٢١–روزبهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، چاپ یازدهم، ١٣٨٣.
٢٢–روزنامه ایران، بخش اقتصادی، شماره ٣٥٧٢، تاریخ ١٣٨٥/١١/٢٦ .
٢٣–روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، چاپ چهارم، ١٣٨٥.
٢٤–طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، ج٢، ناشر: مرتضوی، تهران، ١٣٧٥ ش.
٢٥–غفاری، هادی، نظام اقتصادی صدر اسلام، چاپ دانشگاه پیام نور، ١٣٨٨.
٢٦–فابریسیوس، مایکل، تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های بانکی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صندوق بین المللی پول، ترجمه: جعفر خیرخواهان، ١٩٩٨.
٢٧–فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، البرز، ١٣٧١.
٢٨–فیومی، أبوالعباس، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، المکتبة العلمیة ، بیروت، بی تا.
٢٩–قره‌باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد وتوسعه، تهران، نی، ١٣٧٥.
٣٠–کوزنتس، سیمون، رشد نوین اقتصادی، مرتضی قره‌باغیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٣٧٢.
٣١–لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی در اسلام، چ١، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، تهران، ١٣٨٠.
٣٢–ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ٢، تهران ١٣٧٩.
٣٣–متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی، تهران، سمت، ١٣٨٢.

٣٤-مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ٧٥، مؤسسه الوفاء، بیروت، ١٤٠٤هـ ق.
٣٥-مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ٤٠، دار التعارف للمطبوعات، ١٣٨٠.
٣٦-محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد٦، دار الحدیث، ١٣٨٤.
٣٧-مریدی، سیاوش، نوروزی، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، تهران، موسسه‌کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، ١٣٧٣.
٣٨-مطهری، مرتضی، مجموعه‌آثار (اسلام و نیازهای زمان) جلد ٢١، صدرا، قم، چ٧، ١٣٧٦ش.
٣٩-نخعی‌آغمیونی، منیژه و نجارزاده، رضا، واژگان‌کلیدی اقتصاد خرد وکلان، تهران، شرکت چاپ و نشر بارزگانی، ١٣٨٢.
٤٠-یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم ١٣٨٦.
٤١-بناء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس، ١٣٦٧.